

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه ی شهرستان گناباد در سال های 88 - 1387

مهدی مشکی¹ - زهره شاه قاسمی² - علی دلشاد نوقایی³ - علیرضا مسلم⁴

چکیده

زمینه و هدف: یکی از معضلات اجتماعی جوامع در حال حاضر، افزایش روز افزون طلاق و از هم پاشیدگی بنای خانواده هاست. این پژوهش با هدف شناخت وضعیت و عوامل مؤثر بر طلاق در شهر گناباد جهت مشخص کردن راهکارهای عملی در کاهش آن انجام شده است.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه ی توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی است. روش نمونه گیری سرشماری بود، به طوری که تمامی زوجین مطلقه در شهرستان گناباد که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. از مجموع 161 مورد طلاق ثبت شده در دو سال 87 و 88 تعداد 123 نفر شامل 81 زن و 42 مرد مطلقه حاضر به همکاری شدند و با تکمیل پرسشنامه پژوهشگر ساخته دارای مشخصات دموگرافیک، وضعیت آشنایی و نحوه ی انتخاب همسر و همچنین 67 عامل مؤثر بر طلاق مورد بررسی قرار گرفتند. کلیه ی پرسشنامه ها پس از کنترل نهایی با نرم افزار SPSS و استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در این پژوهش تعداد 81 زن و 42 مرد مطلقه مورد بررسی قرار گرفتند. 60/7 درصد موارد طلاق در 5 سال اول زندگی مشترک اتفاق افتاده که از این تعداد 50 درصد آن در دوران عقد بوده است. 63/3 درصد موارد طلاق در مناطق شهری و 36/7 درصد ساکن در مناطق روستایی بودند. 76/9 درصد از زوجین سواد دیپلم یا کمتر از دیپلم داشتند. سن ازدواج 45/2 درصد از زوجین کمتر از 20 سال بود. 75/2 درصد از نمونه ها، بررسی و تحقیق کافی در مورد همسرشان را انجام نداده بودند. از نظر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی بیشترین عوامل مرتبط با طلاق، شناخت ناکافی همسر، عدم تفاهم، دخالت فامیل و دیگران در زندگی، بیکاری، اجباری بودن ازدواج، کمبود مهارت های زندگی، اعتیاد، سن پایین ازدواج، شهر نشینی، بیماری های جسمی یا روانی همسر، کمبود مهارت های جنسی و ارتباطی در ازدواج بوده است. همچنین تفاوت معنی داری در میزان طلاق از نظر محل سکونت ($p=0/001$)، سابقه ی آشنایی با همسر ($p=0/001$)، سطح تحصیلات ($p<0/001$)، بررسی و تحقیق درباره ی همسر ($p=0/001$)، وجود سوء رفتار جسمی و روانی ($p<0/001$) و عدم تفاهم ($p=0/0001$) وجود داشت.

نتیجه گیری: با توجه به نقش عوامل مختلف در پیدایش وقوع طلاق، راهکارهای پیشگیری و کاهش طلاق در جامعه باید به طور جدی، قبل از ازدواج و بعد از ازدواج مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه ها: طلاق؛ عوامل طلاق؛ وضعیت طلاق

افق دانش؛ فصلنامه ی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد (دوره ی 17؛ شماره ی 1؛ بهار 1390)

پذیرش: 1389/12/23

اصلاح نهایی: 1389/12/15

دریافت: 1389/5/23

- 1- استادیار، دکترای تخصصی آموزش بهداشت، عضو هیأت علمی گروه بهداشت عمومی و مرکز تحقیقات توسعه ی اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
 - 2- کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، عضو گروه توسعه و سلامت اجتماعی، مرکز تحقیقات توسعه ی اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
 - 3- نویسنده ی مسؤؤل؛ مربی، کارشناس ارشد پرستاری بهداشت جامعه، مرکز تحقیقات توسعه ی اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد
- آدرس: گناباد - حاشیه ی جاده ی آسیایی - دانشگاه علوم پزشکی گناباد - مرکز تحقیقات توسعه ی اجتماعی و ارتقای سلامت
تلفن: 0533-7229025 شماره: 0533-7229025 پست الکترونیکی: ali_delshad2000@yahoo.com
- 4- عضو هیأت علمی، گروه هوشبری و اتاق عمل، دانشکده ی پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

مقدمه

علل طلاق در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ضعف در برقراری ارتباطات، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسئولیت، بی وفایی و خیانت، برآورده نشدن انتظارات، اعتیاد، سوء استفاده ی جنسی فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مشکل ذکر شده است (2). در جامعه ی ما نیز بر اساس پژوهش های انجام شده، توقع های بی جا، تجمل گرایی، هوس بازی برخی همسران، درک نکردن یکدیگر و دخالت های بی مورد اطرافیان بعضی از دلایل مؤثر بر طلاق بیان شده است (7).

جدیدترین اطلاعات آماری ایران در مورد طلاق بیانگر افزایش آمار آن می باشد (8). در سال های اخیر میزان طلاق در ایران افزایش بیشتری داشته است، به طوری که در سال 1388 نسبت به سال 1387 از رشدی معادل 13/8 درصد برخوردار بوده است (9). هم اکنون ایران از نظر آمار طلاق در رتبه ی چهارم دنیا قرار دارد (10).

در سال 1388 در ازای هر 4 ازدواج در تهران یک طلاق به وقوع پیوسته است. استان های مازندران، کردستان، قم، خراسان رضوی نیز در ازای هر 6 ازدواج یک طلاق داشته اند. در شهرستان گناباد در سال 1387 تعداد 83 مورد و در سال 1388 تعداد 78 مورد طلاق به ثبت رسیده است. هم چنین به ازای هر 13/2 ازدواج یک مورد طلاق به ثبت رسیده و رتبه ی شهرستان گناباد نسبت به 19 شهرستان استان خراسان رضوی، رتبه پانزدهم از نظر نسبت ازدواج به طلاق بوده است (11).

با توجه به آمارها و مطالب اعلام شده، این پژوهش با پرداختن به موضوع از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، فردی و شخصیتی، سعی در شناسایی و تحلیل ویژگی ها و عوامل مؤثر بر طلاق با هدف ارائه ی راهکارهای کاربردی در جهت کاهش طلاق در شهرستان گناباد را دارد. بنابراین سؤالات اصلی این تحقیق این است که: ویژگی های طلاق های اتفاق افتاده در سال های 1387 و 1388 در شهرستان گناباد چیست؟ چه عواملی در طلاق زوجین مطلقه نقش داشته است؟

هر جامعه ی در حال توسعه در روند تحول خود با موانع گوناگونی برخورد می کند که هر کدام به نوبه ی خود سبب رکود این تحول می شود. شیوع و گسترش آسیب های اجتماعی از جمله موانعی است که باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه های جامعه انسانی می شود. طلاق، از جمله عوامل گسیختگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری را برای افراد جامعه داشته و می تواند منشأ بسیاری از آسیب های اجتماعی مانند انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی گری، ولگردی و غیره شود (1).

امروزه طلاق، مهم ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می رود و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن از اولویت های بهداشت روان به شمار می آید (2). بهداشت روانی نسل های جامعه در گرو تأمین بهداشت روانی خانواده به عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعدادهاست که هر گونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت، با این وجود متأسفانه شاهد افزایش بیش از انتظار نرخ طلاق در جامعه هستیم (3).

آمار طلاق در کشور روز به روز رو به افزایش است و این معضل بزرگ اجتماعی در هیچ زمانی مانند عصر حاضر، خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن را به دنبال نداشته است. اگر جامعه ای به سوی افزایش طلاق پیش رود، حتماً در آستانه ی بحران قرار می گیرد (4).

تحقیق در باب طلاق می تواند با کشف و تعمیق شناخت پدیده ی مورد بحث، زمینه ی شناخت علمی و گسترده ی آن را فراهم کند و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه های اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان بار طلاق یاری رساند (5). هر تحقیق علمی همان طور که اهمیت کاربردی دارد، کارکرد شناختی و کارکرد روش شناختی نیز دارد و هیچ کدام از این وظایف یا کارکردها در واقعیت تفکیک پذیر نیستند (6).

روش تحقیق

اطلاعات اولیه مرتبط با زوجین مطلقه در سال 1387 و 1388 از قبیل مشخصات آنان، نوع طلاق، تاریخ وقوع طلاق و آدرس زوجین گردآوری گردیده و سپس بر اساس آدرس و نام خانوادگی زوجین و بر اساس کتاب راهنمای تلفن شهرستان گناباد، شماره ی تلفن تعداد نسبتاً زیادی از آنان گردآوری و پس از تماس با آنان از نظر تعیین وقت جهت همکاری، در حدود 80 درصد پرسشنامه ها با مراجعه ی حضوری پرسشگران و 20 درصد پرسشنامه ها نیز با مصاحبه ی تلفنی تکمیل گردیدند. پس از تکمیل پرسشنامه ها ابتدا بازبینی هر یک از پرسشنامه ها توسط اعضای تیم پژوهش جهت پی بردن به صحت اطلاعات و اصلاح موارد اشتباه احتمالی صورت گرفته و تا حد امکان از صحت اطلاعات جمع آوری شده اطمینان حاصل گردید. سپس هر یک از پرسشنامه ها به ترتیب کدگذاری و کدهای تعیین شده وارد نرم افزار SPSS ویرایش 16 گردید و پس از حصول اطمینان از صحت ورود داده ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات با آمار توصیفی و با استفاده از آزمون آماری کای دو انجام و نتایج به صورت جداول توزیع فراوانی بیان گردید. جهت رعایت اصول اخلاق در پژوهش، هیچ گونه اجباری در تکمیل پرسشنامه ها نبوده و کلیه ی اطلاعات جمع آوری شده نیز جنبه ی محرمانه داشت. مهمترین عامل مخدوش کننده پژوهش، بیان اظهارات خلاف واقع بود که جهت کنترل با اطلاعات دفاتر ثبت طلاق تطبیق داده شد.

یافته ها

نمونه ی پژوهش شامل 81 زن (66 درصد) و 42 مرد (34 درصد) مطلقه بوده و بیشترین میزان طلاق در گروه سنی 25-21 سال و بعد از آن در گروه 30-26 سال اتفاق افتاده است، یعنی 62 درصد طلاق در سن جوانی و بین 20-30 سال رخ داده است. کمترین سن طلاق 13 سال و بیشترین سن طلاق 76 سال بود. اکثریت خانواده ها (75 درصد) نسبت به انجام بررسی و تحقیق کافی در مورد همسر فرزندشان قبل از ازدواج اقدام نکرده اند. 87 درصد از پدران و 92 درصد از مادران زوجین مطلقه سطح سواد کمتر از دیپلم داشتند. بیش از نیمی از

این پژوهش یک مطالعه ی توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی است و تمامی زوجین مطلقه که در سال 1387 و 1388 طلاق آنان در شهرستان گناباد به ثبت رسیده (83 مورد طلاق در سال 1387 و 78 مورد در سال 1388) به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این راستا از مجموع 161 مورد طلاق ثبت شده در دو سال 87 و 88 تعداد 123 نفر شامل 81 زن و 42 مرد مطلقه که حاضر به همکاری شدند، مورد بررسی قرار گرفتند. لازم به ذکر است امکان تکمیل پرسشنامه بیشتر به دلیل زندگی کردن برخی از زوجین مطلقه در شهرهای دیگر (60 مورد)، نبودن فرد مورد بررسی در آدرس ذکر شده به علت جابجایی محل زندگی و یا عدم حضور (44 مورد)، اشتباه بودن آدرس ها (48 مورد)، و عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه (47 مورد)، وجود نداشت.

در این پژوهش از پرسشنامه ی پژوهشگر ساخته استفاده شده است. جهت تعیین روایی پرسشنامه، از روش صوری و محتوا استفاده شد. بدین منظور سؤالات با توجه به نتایج مطالعات متعدد مربوط به طلاق در دنیا و در سطح کشور طراحی گردیده و پس از اخذ نظرات افراد صاحب نظر، یک بررسی مقدماتی نیز انجام و پس از انجام تغییرات نهایی مورد استفاده قرار گرفت. در همین راستا برای تعیین پایایی از روش آزمون باز آزمون استفاده شد که ضریب پایایی پس از یک ماه برابر 0/81 به دست آمد.

به طور کلی پرسشنامه دارای بخش های مختلف شامل سؤالات دموگرافیک (جنس، سن ازدواج و طلاق، میزان تحصیلات، شغل، طول مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان، نسبت فامیلی، نحوه ی انتخاب و آشنایی با همسر، نوع ازدواج از نظر اجباری یا غیر اجباری بودن آن، وضعیت درخواست طلاق و ویژگی های خانوادگی فرد مطلقه). سؤالاتی در مورد عوامل اجتماعی، فردی و شخصیتی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و ارتباطی مرتبط با طلاق بوده است.

جمع آوری اطلاعات به این صورت بود که پس از تأیید طرح پژوهشی و تهیه ی پرسشنامه، ابتدا ضمن هماهنگی با دادگستری شهرستان گناباد، در دفتر ثبت ازدواج و طلاق

میزان (14/2 درصد) به درخواست مردان صورت گرفته و حدود یک سوم موارد طلاق به صورت توافقی بوده است. همچنین میزان طلاق در شهرستان گناباد در مناطق شهری 1/72 برابر مناطق روستایی بوده است.

بیش از یک سوم مردان بیکار بوده و یا حرفه و شغل معینی نداشته اند و حدود 50 درصد از موارد دارای شغل آزاد بوده و تقریباً 10 درصد نیز کارمند بوده اند. در بین زنان تحت مطالعه بیشترین شغل را خانه داری تشکیل می داد (حدود سه چهارم) و تقریباً یک چهارم موارد نیز دارای شغل آزاد یا کارمند بوده اند. میزان طلاق در بین زنان و مردان کارمند کمتر از سایر گروه ها بوده است. 80 درصد موارد مردان بزرگتر از زنان بوده اند و تنها 16 درصد زنان بزرگتر از مردان بوده اند. بیشترین فاصله ی سنی، 40 سال مرد بزرگتر از زن و 19 سال زن بزرگتر از مرد بود. بیش از دو سوم زوجین مطلقه بدون فرزند بوده اند که علت آن طلاق در دوران عقد و یا سال های اولیه ی زندگی بوده است.

به طور کلی 57 درصد از مردان و 30 درصد از زنان سواد کمتر از دیپلم در هنگام ازدواج داشته اند. تحصیلات در مقطع راهنمایی، بیشترین فراوانی را در مردان گروه مطالعه نشان می دهد. پس از آن مقطع پنجم ابتدایی و سپس دیپلم به بالا قرار داشته است. در حالی که در زنان، تحصیلات دیپلم بیشترین فراوانی را در میزان تحصیلات افراد تحت مطالعه نشان می داده و تحصیلات پنجم ابتدایی کمترین میزان را دارا بوده اند. در 73/5 درصد موارد تا یک سال پس از تصمیم به طلاق، اجرای طلاق قطعییت یافته است. این مدت حتی تا 7 سال نیز در زوجین گزارش گردید.

بر اساس جدول 1 وجود عواملی که بر اساس قانون، زن می تواند تقاضای طلاق نماید مانند اعتیاد همسر، محکومیت های قضایی، بزهکاری همسر و محکومیت همسر به زندان در بروز واقعه ی طلاق نقش دارند. مصرف سیگار یا قلیان به نظر 50 درصد از زنان در بروز طلاق تأثیر داشته است و از نظر تمامی پاسخگویان به عنوان اولین عامل اجتماعی مرتبط با طلاق ذکر شده است. اعتیاد به مواد مخدر با 33/6 درصد در مرتبه ی دوم قرار گرفته است. سایر عوامل در رده های بعدی قرار داشته که زنان مطلقه آن ها را در بروز طلاق مهم تر از مردان می دانند.

خانواده ها (54 درصد) با طلاق فرزندانشان موافق بوده اند. 27/5 درصد خانواده ها مخالف و 18/5 درصد نیز نظر خاصی نداشته اند. 45 درصد از زوجین مطلقه در خانوار با بیش از 5 فرزند زندگی کرده اند. بیشترین تعداد، 10 فرزند در خانواده بود. در حدود دو سوم زوجین (66 درصد) سابقه ی آشنایی با یکدیگر را قبل از ازدواج نداشتند. همچنین بیش از یک سوم ازدواج ها با اجبار و اادار کردن دختر یا پسر به ازدواج توسط والدین و اطرافیان صورت گرفته است. 50 درصد موارد درخواست طلاق در دوران عقد صورت گرفته است که لزوم توجه جدی به این دوره را مطرح می نماید. با توجه به یافته های این تحقیق پنج سال اول زندگی بحرانی ترین زمان برای وقوع پدیده ی طلاق است. زیرا 61 درصد طلاق های مورد بررسی در پنج سال اول زندگی اتفاق افتاده است. کمترین طول مدت زندگی زناشویی یک روز و بیشترین آن 44 سال بود. در بیش از دو سوم موارد، هر یک از زوجین فرصت کافی برای بیان خواسته ها و انتظارات از همسر و اطلاع کافی از عیوب و نکات ضعف همسر خود را نداشته اند.

28 درصد از زوجین مطلقه در بستگان نزدیک خود و 16 درصد از زوجین مطلقه در بین دوستان خود مواردی از طلاق داشته اند. بیش از نیمی از مردان مطلقه، پس از طلاق مجدداً ازدواج نموده اند، اما فقط 10 درصد از زنان مطلقه مجدداً ازدواج کرده اند. اعتیاد به مواد مخدر علت نزدیک به یک سوم طلاق ها (33/6 درصد) بوده است. که بیشترین نوع ماده مخدر مصرفی توسط افراد مطلقه، تریاک با 63 درصد بوده است. بیشترین روش آشنایی زوجین از طریق معرفی توسط فامیل (48 درصد) بوده است. 27 درصد موارد در محل زندگی با هم آشنا شده اند و بقیه به صورت آشنایی خود زوجین در محل کار، تحصیل، تلفن، اینترنت یا اتفاقی در کوچه و خیابان بوده است. در حدود یک سوم موارد ازدواج، زوجین با یکدیگر نسبت فامیلی داشته اند (30/9 درصد).

45 درصد از زوجین مطلقه در هنگام ازدواج سن کمتر از 20 سال داشته، 48 درصد 20 تا 30 سال داشته اند و فقط 7 درصد از موارد 30 سال به بالا بوده اند. کمترین سن ازدواج 13 سال و بیشترین سن ازدواج 65 سال بود. بیشترین میزان طلاق (54/1 درصد) به درخواست زنان و کمترین

جدول 1: توزیع فراوانی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق در زوجین مطلقه

عامل	از دیدگاه زنان	از دیدگاه مردان	جمع
	درصد	درصد	درصد
مصرف سیگار یا قلیان	50/6	19/5	39/8
اعتیاد به مواد مخدر	47/4	5/3	33/6
ارتباط غیر مشروع	35/4	22	30/8
محکومیت قضایی مغایر با حیثیت خانوادگی	27/1	13/1	22/2
خرید و فروش مواد مخدر	22	2/6	15/6
زندانی شدن موقت	18/3	10	15/3
محکومیت قطعی همسر به بیش از 5 سال	16	5/3	12/4
بزهکاری همسر	15/6	0	10/3

بر اساس جدول 2 عوامل فرهنگی همچون عدم تفاهم، سخت گیری زیاد در زندگی، ضعف پایبندی به اعمال مذهبی، ناراضیتی از شغل همسر و مخالفت با تحصیل از دیدگاه زنان مؤثرتر بوده است. در حالی که مردان عوامل دیگری همچون توقعات بیجا و غیر منطقی، پایبندی به مسائل خرافی، تجمل پرستی و چشم و هم چشمی، اختلاف نظر با همسر در تربیت فرزندان و مخالفت با اشتغال فعلی را از مهم ترین عوامل مؤثر در طلاق ذکر کرده اند.

جدول 2: توزیع فراوانی عوامل فرهنگی مؤثر بر طلاق در زوجین مطلقه

عامل	از دیدگاه زنان	از دیدگاه مردان	جمع
	درصد	درصد	درصد
عدم تفاهم	66/3	55	62/5
مداخله ی فامیل و اقوام	52	57/5	53/9
توقعات بیجا و غیر منطقی	49/4	51/2	50
سخت گیری زیاد	49/4	25	41/2
ضعف پایبندی به اعمال مذهبی	45/6	25	38/7
ازدواج اجباری	35/1	33/3	34/5
ناراضیتی از شغل همسر	39/7	22/5	33/9
مخالفت با رفت و آمد با فامیل	32/9	26/8	30/8
پایبندی به مسائل خرافی	25	34/1	28/1
تجمل پرستی و چشم و هم چشمی	11/7	39	21/2
زندگی در محل غیر دلخواه	24/3	12/2	20/2
مخالفت با تحصیل	24/3	0	16/2
اختلاف نظر در تربیت فرزندان	7/8	12/5	9/6
مخالفت با اشتغال فعلی	0	7/5	2/6

بر اساس جدول 3 تقاضای مهریه کردن به عنوان مهمترین عامل اقتصادی مرتبط با طلاق شناخته شده است و بیش از دو سوم مردان آن را به عنوان عامل طلاق بیان کرده اند. در حالی که عواملی همچون عدم پرداخت نفقه و خرجی در مرتبه ی دوم، به عنوان مهم ترین عامل از دیدگاه زنان بیان شده است. سایر عوامل اقتصادی همچون بیکاری مردان، نداشتن شغل معین و وضعیت اقتصادی ضعیف همسر در رده های بعدی قرار دارند.

جدول 3: توزیع فراوانی عوامل اقتصادی مؤثر بر طلاق در زوجین مطلقه

عامل	از دیدگاه زنان درصد	از دیدگاه مردان درصد	جمع درصد
تقاضای مهریه کردن	38/8	65/8	47/9
ندادن خرجی و نفقه	55/7	10	40/3
بیکاری و نداشتن شغل معین	52/5	9/8	38
وضعیت اقتصادی ضعیف همسر	46/3	14/6	35/5
نداشتن منزل مسکونی	28/4	14/6	23/8
نداشتن وسیله ی نقلیه	16/3	14/4	19

بر اساس جدول عوامل فردی و شخصیتی (جدول 4) بد اخلاقی و عصبانیت با 8/62 درصد در بالاترین رده ی جدول قرار گرفته است. به نظر بیش از نیمی از زنان و مردان عوامل دیگری همچون عدم وجود عشق حقیقی در زندگی، بهانه گیری بی مورد و عیب جویی کردن، حرف شنوی از خانواده و بستگان، عدم ابراز مهر و محبت به همسر، به عنوان عوامل مساعد کننده ی طلاق بیان شده اند و عواملی همچون عدم مشورت در امور زندگی، فحاشی و سوء رفتار روانی، سوء رفتار جسمی و کتک زدن، وضعیت ظاهری نامناسب و ازدواج مجدد موقت یا دائم همسر از دیدگاه زنان مؤثرتر بوده است.

جدول 4: توزیع فراوانی عوامل فردی و شخصیتی مؤثر بر طلاق در زوجین مطلقه

عامل	از دیدگاه زنان درصد	از دیدگاه مردان درصد	جمع درصد
بد اخلاقی و عصبانیت	71/3	46/3	62/8
عدم وجود عشق حقیقی در زندگی	62/5	51/2	58/7
بهانه گیری بی مورد و عیب جویی	59/5	48/8	55/8
حرف شنوی از خانواده و بستگان	58/2	61/5	52/3
عدم ابراز مهر و محبت به همسر	60/8	34/1	51/7
بی احترامی به خانواده ی همسر	46/3	47/5	46/6
عدم مشورت در امور زندگی	50	36/6	45/5
فحاشی و سوء رفتار روانی	57/1	12/2	41/5
سوء ظن و بد گمانی	36/8	36/6	36/7
بی علاقه ی همسر	38/5	32/5	36/4
سوء رفتار جسمی و کتک زدن	48/6	9/7	34/8
وضعیت ظاهری نامناسب	36/4	24/4	32/2
تحقیر همسر در مقابل دیگران	31/6	32/5	31/9
ناآگاهی و کمبود مهارت های جنسی	25	27/5	25/9
ازدواج مجدد موقت یا دائم همسر	20	0	13
فاصله سنی زیاد با همسر	10/1	4/9	8/3
بیماری صعب العلاج جسمی یا روانی	8/6	2/4	6/5
نازایی و مشکلات باروری همسر	3/9	4/9	4/3

بر اساس جدول 5 تفاوت معنی داری در میزان طلاق از نظر محل سکونت، سابقه ی آشنایی با همسر، سطح تحصیلات، بررسی و تحقیق درباره ی همسر، وجود سوء رفتار جسمی و روانی و عدم تفاهم وجود داشت.

جدول 5: ارتباط بین طلاق و عوامل مؤثر بر آن

عوامل	درصد فراوانی طلاق	X^2 (درصد معناداری) و p
سن ازدواج	کمتر از 20 سال بالاتر از 20 سال	$X^2=2/94$ $p=0/0041$
محل سکونت	شهر روستا	$X^2=4/46$ $p=0/0019$
زمان وقوع طلاق	5 سال اول زندگی بعد از 5 سال	$X^2=45/3$ $p=0/2381$
سطح تحصیلات	دیپلم یا کمتر از دیپلم بالاتر از دیپلم	$X^2=67/8$ $p<0/001$
سابقه ی آشنایی با همسر	داشته اند نداشته اند	$X^2=34/5$ $p=0/0013$
وضعیت تحقیق و بررسی کافی در مورد همسر	داشته اند نداشته اند	$X^2=10/5$ $p=0/0012$
زمان درخواست طلاق	دوران عقد بعد از عروسی	$X^2=8/92$ $p=0/876$
عدم تفاهم	داشته اند نداشته اند	$X^2=23/3$ $p=0/0001$
سوء رفتار جسمی یا روانی	وجود داشته وجود نداشته	$X^2=34/9$ $p<0/001$

بحث

قانون به روز شدن مهریه و عندالمطالبه بودن آن باعث شده تا زنان از مهریه به عنوان یک حربه علیه مردان در زمان ناسازگاری استفاده نمایند (13). در این تحقیق، تقاضای مهریه کردن به عنوان مهم ترین عامل اقتصادی توسط حدود نیمی از پاسخگویان عنوان شده که اخوان نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که تقریباً نیمی از افراد نمونه، تمام یا بخشی از مهریه را دریافت/پرداخت نموده اند (14).

اعتیاد زوجین به خصوص مردان در 30/2 درصد موارد به عنوان یکی از عوامل اصلی تقاضای طلاق در زوجین مطلقه بوده است. در پژوهش مددی در شهرستان اراک یکی از 5 دلیل اصلی طلاق، اعتیاد زوج به مواد مخدر بوده است (4). پژوهش زرگر در شهرستان فلاورجان و قطبی در منطقه دولت آباد، نیز این یافته را تأیید می کند (15).

بر اساس نتایج این پژوهش 65/9 درصد از زوجین بیان نموده اند که هیچ گونه سابقه ی آشنایی با یکدیگر قبل از ازدواج نداشته اند و بر اساس آزمون کای اسکور تفاوت معنی داری از این نظر وجود داشت (p=0/0013).

در این تحقیق، وضعیت و عوامل مرتبط و مؤثر بر طلاق در بین 123 زوج مطلقه ی سال های 1387 و 1388 در شهرستان گناباد مورد بررسی قرار گرفته است. سن 45 درصد زوجین مطلقه در هنگام ازدواج کمتر از 20 سال بوده و بیشترین میزان طلاق در زنان بین سنین 16-20 سال و در مردان بین سنین 21-25 سال بوده است. به نظر می رسد که با افزایش سن ازدواج از میزان طلاق کاسته شده است. هم چنین آزمون کای اسکور تفاوت معنی داری از این نظر نشان داد (p=0/0041). (تحقیقات مه پویان در سال 1354، ریحانی در سال 1381 و شیرزاد در سال 1383 با نتیجه ی به دست آمده همخوانی دارد (4,11,12)).

بر اساس نتایج پژوهش بیشترین موارد درخواست طلاق (54 درصد) به درخواست زنان صورت گرفته است. لنکستر علت افزایش طلاق را افزایش حضور زنان در جامعه و شاغل بودن آن ها و افزایش پذیرش طلاق توسط زنان را تا 80 درصد ذکر کرده است (13).

مشخص گردید که 53/8 درصد خانواده ها از طلاق گرفتن فرزندانشان حمایت کرده اند. فتحی زاده و همکاران به این نتیجه رسیدند که عوامل خانوادگی شامل اعتقادات مذهبی، مداخله ی فامیل، عدم حمایت خانواده از طلاق و حمایت اقتصادی والدین در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد مؤثر بوده است (21).

دخالته خانواده ها در زندگی زوجین یکی از عوامل مؤثر در طلاق بوده است. پژوهش زرگر و نشاط نیز نشان داد که مهم ترین علل طلاق در شهرستان فلاورجان در طی سال های 1382 تا 1384 به ترتیب شامل مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده ها و بیماری روانی یکی از زوجین بوده است (15).

50 درصد موارد طلاق در دوران عقد اتفاق افتاده است. دوران عقد گذرگاهی بین دوران مجردی و زندگی مشترک و فرصتی برای تبادل نظر و شناخت بیشتر زوجین از یکدیگر است (22). 66 درصد یعنی نزدیک به دو سوم زوجین بیان کرده اند که سابقه ی آشنایی با همسر خود را نداشته اند، لذا بعید نیست که در طول دوران عقد زوجین تا حدود زیادی از خصوصیات همسر خود مطلع می شوند و در این زمان است که به علت عدم وجود تفاهم، شروع به ناسازگاری نموده و مقدمات از هم پاشیدن زندگی مشترک فراهم می گردد. این پژوهش نشان داد که 63 درصد طلاق در مناطق شهری و 37 درصد در مناطق روستایی گناباد اتفاق افتاده است که این تفاوت از نظر آماری معنی دار است ($p=0/0013$). طبق آمار اداره ثبت احوال کشور در سال 1388 نیز 84 درصد طلاق ها در مناطق شهری و 16 درصد در مناطق روستایی کشور بوده است.

در 48/6 درصد از زنان مطلقه در شهرستان گناباد مواردی از سوء رفتار جسمی و در 57 درصد مواردی از سوء رفتار روانی و پرخاشگری دیده شده است و تفاوت معنی داری از نظر میزان طلاق در بین کسانی که مورد سوء رفتار جسمی یا روانی از طرف همسر قرار گرفته بودند وجود داشت ($p<0/001$). یونگ و لانگ احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین را ناشی از تعارض زناشویی می دانند. تعارض زناشویی به علت عدم هماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خود محوری، اختلاف در خواسته ها و رفتارهای

پژوهش های رحمان پناه در سال 1374 و ملتفت در سال 1381، میزان شناخت همسر قبل از ازدواج را به عنوان یک عامل مؤثر در طلاق ذکر کرده اند (16,17).

در این پژوهش مشخص گردید در حدود یک سوم ازدواج ها (34/7 درصد) جنبه ی اجباری داشته است. مددی یکی از عوامل مؤثر در طلاق را علاوه بر اعتیاد زوج، عدم تفاهم زوجین و بیکاری زوج، عامل ازدواج اجباری را در پژوهش خود ذکر کرده است (4).

در این پژوهش بیشترین میزان طلاق (26/6 درصد) در طول سال اول زندگی و در حدود دو سوم یعنی 60/7 درصد طلاق ها در طول 5 سال اول زندگی اتفاق افتاده است و بعد از آن رو به کاهش گذاشته، اما مجدداً در زوجین با بیش از 20 سال زندگی زناشویی رو به افزایش گذاشته است. طبق اطلاعات سرشماری سال 1385 نیز در کشور 2701 نفر مرد و 2459 نفر زن بی همسر بر اثر طلاق در سن کمتر از 15 سال در کشور وجود داشته و بر طبق هرم سنی جنسی، جمعیت بی همسر بر اثر طلاق در سن بالاتر از 65 سال نسبت به سال های قبل از آن مجدداً افزایش یافته است (18). توانا علمی می گوید: اگر از گذشته تاکنون عامل طلاق بیشتر، خانواده های با سابقه ی زندگی مشترک کمتر و سنین کمتر را مورد هدف قرار می داد، اما در سال های اخیر موضوع جدیدی توجه کارشناسان را جلب کرده است و آن هم طلاق در دوران سالمندی و با زندگی های مشترک بیش از 20 سال است. آمارهای سازمان ثبت احوال نشان می دهد که در سال 1388 در حدود 16 هزار و 900 مورد طلاق در زنان و مردان بیش از 50 سال سن اتفاق افتاده است (19).

بر اساس نتایج این پژوهش مردان پس از طلاق پنج برابر بیشتر از زنان اقدام به ازدواج مجدد می نمایند. کاظمی پور می گوید: زنان مطلقه پس از طلاق با مشکلات متعدد اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند، چرا که درصد بسیاری از آنها تأمین اقتصادی ندارند. تعداد مردان بدون همسر بعد از طلاق بسیار پایین است، در حالی که زنان مطلقه کمتر به ازدواج مجدد مبادرت می کنند. در حالی که بیشتر موارد طلاق به درخواست زنان صورت می گیرد اما خود بیشترین آسیب را در زندگی بعد از طلاق متحمل می شوند (20).

گوشمان به صدا در می آید نه تنها در بسیاری از موارد به فکر درمان و اصلاح عوامل زمینه ساز و حل تعارضات زوجین بر نمی آییم بلکه فقط تنها راه جدایی از طریق قانون را بر می گزینیم، مسلم است که روز به روز موارد طلاق افزایش یافته و به صورت یک همه گیری جهانی ظاهر می گردد. همه ما در مقابل حل معضلات اجتماعی مسؤولیت داریم و هنگامی که بدون هر گونه شعار و بر اساس شعور انسانی و حس مسؤولیت دست به دست دهیم تا با اقدامات اجرایی و بر اساس فرهنگ بومی و مذهبی و منطقه ای، جلوی از هم پاشیدگی اساسی ترین رکن جامعه یعنی خانواده را بگیریم، بزرگترین کمک را به سلامت جسمی، روانی و اجتماعی جامعه نموده و مسلماً در کاهش بسیاری از عواقب و مشکلات اجتماعی ناشی از طلاق مثر ثمر خواهیم بود.

به طور کلی راهکارهای کاهش ازدواج بسیار گسترده و مسؤولیتی چند بعدی است که باید از زمان های قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد که اقدامات و راهکارها را در دو قسمت اقدامات و راهکارهای قبل از ازدواج (در نظر گرفتن سازمان و یا مرجعی جهت تمرکز نمودن بر مسائل خانواده، توجه به سن مناسب ازدواج، تفهیم دقیق شرایط ضمن عقد به زوجین، جلوگیری از ازدواج های تحمیلی، آموزش مهارت های زندگی به زوجین قبل از ازدواج، تحقیق و آشنایی با خانواده زوجین، اطمینان از سلامت جسمی و روانی زوجین، آگاه سازی دختران و پسران از حقوق و وظایف زن و مرد و خانواده و ...) و اقدامات و راهکارهای بعد از ازدواج، (آشنایی زوجین با اصول رفتارهای جنسی، در دسترس بودن مکان هایی جهت حل تعارضات زناشویی، زوج درمانی¹، خانواده درمانی² و... را می توان طبقه بندی و پیشنهاد نمود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می دانند تا از همه ی کسانی که در اجرای این پژوهش مساعدت، همفکری و همیاری نمودند به خصوص پاسخگویان؛ فرماندار محترم شهرستان گناباد، رئیس محترم دادگستری شهرستان و کارکنان محترم مرکز امور ژانس

غیر مسؤولانه نسبت به ارتباط زناشویی است. در تعارض زناشویی رفتارهای خشونت آمیز مثل توهین و سرزنش، انتقاد و حمله ی فیزیکی وجود داشته و زوجین نسبت به یکدیگر احساس خصومت و خشم دارند (23). بر اساس پژوهش سعیدی و همکاران در شهرستان خمینی شهر، مهم ترین موارد تعارض زناشویی زوجین مرتبط با نحوه ی ارتباط با خانواده ی همسر، اوقات فراغت، مسائل جنسی، امور مالی، ارتباط با همسر و اختلاف نظر در حل مشکل بوده است (24).

عدم تفاهم به عنوان مهم ترین عامل فرهنگی مؤثر بر طلاق از دیدگاه پاسخگویان است ($p=0/0001$). پژوهش قطبی در منطقه ی دولت آباد مشخص کرد که عدم تفاهم اخلاقی شایع ترین عامل منجر به طلاق است. هم چنین دخالت خانواده ها از دیدگاه بیش از نیمی از افراد مطلقه به عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر طلاق بوده که در پژوهش اجرا شده در منطقه ی دولت آباد و شهرستان فلاورجان این یافته تأیید شده است (2,15).

از مهم ترین محدودیت ها و مشکلات تحقیق در کشور ما محدودیت ها و موانع شرایط فرهنگی محیط پژوهش است. تحقیق در ارتباط با مسائلی همچون طلاق که قبح فرهنگی دارد، همواره با مشکلاتی همراه است. در این تحقیق نیز، علاوه بر نبود فرهنگ پژوهش در بین مردم، به دلیل مشکلاتی همچون زندگی کردن برخی از زوجین مطلقه در شهرهای دیگر، نبودن فرد مورد بررسی در آدرس ذکر شده به علت جابجایی محل زندگی و یا عدم حضور، اشتباه بودن و عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه، تکمیل پرسشنامه ها با محدودیت ها و موانع متعددی همراه بوده است.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج این پژوهش می توان طلاق را یک بیماری مزمن اجتماعی تلقی کرد که همانند بیماری های مزمن جسمی، عوامل خطر متعددی در وقوع آن دخیل بوده که هر چه تعداد این عوامل خطر بیشتر باشند خطر بروز طلاق بیشتر است. خوشبختانه بسیاری از این عوامل شناخته شده اند، اما بدان علت که آن ها را جدی نمی گیریم و یا طلاق را یک خطر بالقوه می دانیم و از ابتدا در هیچ ازدواجی به آن فکر نمی کنیم و هنگامی که زنگ خطر طلاق در

1- Couple Therapy

2- Family Therapy

مدیریت محترم امور پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی و تمامی همکاران در مرکز تحقیقات توسعه ی اجتماعی و ارتقای سلامت و سایر عزیزان و همکاری که به هر طریقی ما را یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را بنماییم.

References:

- 1- Rahmatollahi F. Pathology of marriage in Isfahan city and providing a model for couple's life Pathology. [Thesis] Isfahan Uni; 2006: 92-96. [In Persian]
- 2- Ghotbi M, Helakoe Naeeni K, Jazayeri A, Rahimi A. Divorce situation and some factors affecting people living in absolute. Dolatabad 2004; 3(12): 273- 288. [In Persian]
- 3- Kameli M. Survey of youth divorce. Youth National Organization; 2002. [In Persian]
- 4- Madadi H. Fekrazad H. Review the causes of divorce couples (economic perspective-social) in the city of Arak. [Thesis] Master degree of Social work. University of Social, Welfare and Rehabilitation Sciences; 2001. [In Persian]
- 5- Bani Jamal Sh, Nafisi Q, Yazdi SM. Reasons stemming from the dissolution of families with mental characteristics-social boys and girls before marriage. Journal of Psychology and Educational Sciences of Shahid Chamran University of Ahvaz 2004; 3(34): 143-170. [In Persian]
- 6- Reiahi M, Aliverdineia A, Bahrami kakavand S. Sociological analysis of trends in divorce rates; case study city of Kermanshah. Magazine Women's Research 2007; 5(3): 109-140. [In Persian]
- 7- Hosseini SD. Healthy relationship in the family. Tehran: Research Center of IRIB; 2007. [In Persian]
- 8- Zahirodin AR, Khodaeef F. Personality profile review referred to family court in Tehran in 2001. Feiz Magazine 2003.4(25):47-50. [In Persian]
- 9- Marriages and divorces recorded in 2004. Birth Registration Organization; 2010.
- 10- Foroutan SK. The prevalence of sexual dysfunction among divorce requested. Daneshvar Medical Journal 2008; 16(78): 11-17. [In Persian]
- 11- Reihani T, Ajam M. Review the causes of divorce in Gonabad city. Ofogh-e-Danesh 2002; 5(2): 96-100. [In Persian]
- 12- Mahpouyan A. Social factors affecting divorce. [Thesis] Tehran Uni; 1975. [In Persian]
- 13- Birth Registration Organization. The study of divorce increase in Iran community; 2001. [In Persian]
- 14- Akhavan Tafti M, Seif S. Shock after divorce. Scientific Research Quarterly of Society Consultation; 1999. [In Persian]
- 15- Zargar F, Neshatdoost H. Divorce incidence factors in Falavarjan Township. Journal of Family Research 2007; 3(11): 737-749.
- 16- Rahmanpanah A. Divorce and its causes in Tehran. [Thesis] Tehran: Police Uni; 1997. [In Persian]
- 17- Moltafet H. Factors affecting couples tend to divorce in Darab city. [Thesis] Shiraz Uni; 2002. [In Persian]
- 18- Youth National Organization. Review developments in marriage and divorce. Tehran: Reaserch Develop Center; 2008. [In Persian]
- 19- Tavana Elmi F. Dissection process of growing divorce between the elderly. Khorasan Newspaper no.1754, Monday, May 03; 2010. [In Persian]
- 20- Keshtkaran Z. Community Health Nursing. Tehran: Boshra; 2006. [In Persian]
- 21- Fatehizadeh M. Behjati Ardakani F, Nasre Isfahani AR. Effect of family factors in low divorce statistics in the cities of Yazd, Ardakan and Meybod. Education and Psychology Studies 2005; 1(11): 117-137. [In Persian]
- 22- Nasiri M. Family survival cause. Tehran: Boshra; 2001. [In Persian]
- 23- Young Mark E, Long Lynn L. Counseling and Therapy for Couples; 1988. [In Persian]
- 24- Saeedi L, Bahrami F, Eatemadi A. Effect of short term solution couples therapy to reduce conflicts of couples in Khomein city of Isfahan. Counseling Research & Develo; 2010. [In Persian]

The Survey of Condition and Related Factors to Divorce from Divorced Couples' Viewpoint of Gonabad City in 2009-2010

Mahdi Moshki¹, Zohreh Shahghasemi², Ali Delshad Noghabi³ and Alireza Moslem⁴

Abstract

Background and Aim: One of the social problems of communities is the currently increasing rate of divorce and family disintegration host building. The aim of this research is to understand the condition and factors influencing divorce and to identify some practical solutions to reduce it in Gonabad.

Materials and Methods: This is a descriptive-analytic research. 123 divorced couples who got divorced in 1387-88 in Gonabad city were selected and completed a researcher-made questionnaire including demographic information.

Results: In this study, 81 divorced woman and 42 divorced men were surveyed, 50% of the divorces were in affiance time, 60.7% in the early years of marriage or being together as couple, 63.3% in urban areas and 36.7% in rural areas. 54.1% of the divorces were through women's request and 14.2% on the part of men, 31.7% with the couples' agreement. 76.9% of the couples had a diploma or degree below. The marriage age of 45.2% of the couples was under 20 years. 65.4% of the couples had a familiarity with their spouse during marriage. 75.2% of them had not conducted enough investigation and surreys on their spouse and his/her family. To study different social, economical, cultural and personal factors, the most important related factors to divorce were: men's addiction, low familiarity of couples with each other, lack of life skills, low age of marriage, urbanization, misunderstanding, mental or physical diseases of the spouse, unemployment, family or other interference from the spouse's family or other people, mandatory marriage, shortage of relationship and sexual skills and hypocrisy. There was also a significant difference in the rate of divorce from location ($p=0.0019$), the history of familiarity with the spouse ($p=0.0013$), education ($p=0.0000$), research and evaluation conducted on a spouse ($p=0.0012$), physical and mental abuse ($p=0.0000$), and misunderstanding ($p=0.0001$) points of view.

Conclusion: Because of the role of different factors in divorce, preventive strategies and reduction of divorce should be much considered before marriage.

Keywords: Divorce, divorce condition, divorce factors

Ofogh-e-Danesh. GMUHS Journal. 2011; Vol. 17, No. 2

1- Department of Public Health, School of Public Health, Social Development & Health Promotion Research Centre, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

2- MSc in Social Communications, Social Development & Health Promotion Research Centre, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

3- **Corresponding Author:** Faculty Member, School of Nursing, Social Development & Health Promotion Research Centre, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran.

Tel: +98 533 7229025

Fax: +98 533 7229025

E-mail: ali_delsad2000@yahoo.com

4- Faculty Member, Anesthesiologist, Department of Anesthesia and Operating Room, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران